



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



مقاله پژوهشی

بررسی وجوه افتراق و اشتراک دیدگاه‌های مقدس اردبیلی در باب زنا با قانون مجازات اسلامی ایران

بتول سعیدی گراغانی^۱، محمدرسول آهنگران^۲، جلال ایرانمنش^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق، دانشکده الهیات، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به پیشرفت‌های قابل توجهی که در عرصه قانون‌گذاری جزایی صورت گرفته است، اما این قوانین همچنان نیازمند تغییراتی هستند، از جمله اینکه بهره‌گیری از دیدگاه فقها و اسلام‌شناسان درباره اعمالی نظیر زنا که جرم متناسب با آن نیز در قانون مجازات اسلامی بیان شده است، قول مشهور فقها و یا نظریات آنان به عنوان معیار در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد است تا به دیدگاه‌های مقدس اردبیلی و قانون مجازات اسلامی در باب زنا بپردازد.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است که به شکل تطبیقی نسبت به دیدگاه‌های مقدس اردبیلی و قانون مجازات اسلامی می‌پردازد.

یافته‌ها: در خصوص زنا، محصنه بر اساس ماده ۲۲۵ حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است، اما در صورت عدم امکان رجم چنانچه جرم با بینه صادر شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد، این در حالی است که مقدس اردبیلی در خصوص زنا، محصنه فقط رجم را بیان نموده‌اند. در خصوص ثبوت زنا علاوه بر ۴ بار اقرار یا شهادت شهود مورد توافق محقق و قانون، در قانون مجازات اسلامی علم قاضی هم اضافه شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: مقدس اردبیلی توبه فرد زانی یا زانیه را باعث سقوط حد می‌داند، اما در قانون مجازات اسلامی زنا اگر با اقرار باشد، توبه قبل از اثبات زنا می‌تواند مورد قبول واقع شود، اما اگر به صورت بینه باشد، توبه قابل قبول نیست. همچنین مقدس اردبیلی حدود زنا برای فرد بالغ و عاقل می‌داند، اما بر اساس ماده ۲۲۸ اگر زانی نابالغ و زانیه بالغ باشد، زانی مجازات نمی‌شود، اما به زانیه ۱۰۰ ضربه تازیانه وارد می‌شود، خواه محصن باشد یا غیر محصن.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

واژگان کلیدی:

حقوق کیفری

زنا

قانون مجازات اسلامی

محقق اردبیلی

* نویسنده مسؤؤل:

محمدرسول آهنگران

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه

تهران، پردیس فارابی، دانشکده

الهیات، گروه حقوق.

کد پستی: ۳۷۱۸۱-۱۷۴۶۹

تلفن: ۲۱-۳۶۱۶۶۱۰۰

پست الکترونیک:

Ahangaran@ut.ac.ir

۱. مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حاکم شدن احکام و قوانین شرع، کلیه قوانین، اصلاح قوانین کیفری و عرفی مطابق با موازین اسلامی، به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی تقنینی نظام جمهوری اسلامی مطرح شد (۱). به دلیل نواقص و ایرادات حقوقی و قضاییه نسخه اولیه قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ در سال ۱۳۷۰ نسبت به بازنگری این قوانین پرداخته شد و طی سالیان متمادی تکمیل‌تر و در نهایت در سال ۱۳۹۲ با تأیید شورای نگهبان اجرای قوانین جدید لازم‌الاجرا شد (۲)، لیکن به نظر می‌رسد به رغم پیشرفت‌های درخور تحسین نسبت به تصویب قانون مجازات اسلامی در اردیبهشت ۱۳۹۲، انتظارات جامعه حقوقی به نحو کامل محقق نشده است. در انتخاب اسباب حدود در قانون مجازات جدید، قول مشهور فقها یا نظرات فقها معیار و میزان قرار نگرفته است (۳). در این میان به نظر می‌رسد برخی ایرادات و ابهامات در خصوص نحوه رسیدگی به جرم زنا نیز دیده می‌شود.

دانشمندان اسلامی از دیرباز به منظور تبیین و تفسیر آیات قرآن کریم و استخراج قوانین کتب متعددی نوشته‌اند، از جمله این دانشمندان که صاحب کتاب زبده البیان و مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الادهان می‌باشد، مقدس اردبیلی (ره) است. وی در زهد و تقوا به درجه‌ای رسید که به «مقدس» شهرت یافت و در تحقیق و ژرف‌نگری علمی به اندازه‌ای تبحر داشت که به «محقق» معروف شد. وی در مسائل علمی نظرات بسیار دقیق و در مواردی آرای جدید و نادری داشت که این دقت نظر علاوه بر اینکه از خصایص و ویژگی‌های انکارناشدنی ایشان بود، به مسائل فقه، اصول، تفسیر و کلام نیز رونق و جلوه خاصی می‌بخشید، به طوری که علما به آرا و نظرات دقیق ایشان اهمیت زیادی می‌دادند. دیدگاه‌های مقدس اردبیلی درباره مسائل و موضوعاتی نظیر زنا و اقسام متعدد آن یکی از دیدگاه‌های منحصر به فرد در میان فقهای شیعی است که پژوهش حاضر درصدد بررسی این دیدگاه است، لذا با توجه به برخی تفاوت‌ها و تشابهات در برخی آرای خاص ایشان در مقایسه با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این مطالعه

سعی شده است با توجه به ویژگی‌های فقهی محقق اردبیلی و نظر به شرایط خاص اجتماعی جامعه و قوانین کیفری کنونی جمهوری اسلامی ایران نسبت به معرفی و بررسی آرای خاص محقق اردبیلی پرداخته شود و وجوه اشتراک یا افتراق این موضوع بررسی شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

در این پژوهش از روش مطالعه و جستجوی کتابخانه‌ای در مورد آثار محقق و مکتوبات سایر محققان و علما در خصوص دیدگاه و مقدس اردبیلی و جستجو در منابع الکترونیکی (اینترنت) استفاده شده است.

۴. یافته‌ها

در خصوص زنا، محصنه بر اساس ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است، اما در صورت عدم امکان رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه صادر شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد. این در حالی است که مقدس اردبیلی در خصوص زنا، محصنه فقط رجم را بیان نموده‌اند، اما دیدگاه مقدس اردبیلی درباره زنا، محصنه به گونه‌ای است که تنها رجم را به عنوان مجازات برای این جرم در نظر گرفته است. از دیگر تفاوت‌های دیدگاه این عالم ربانی با قانون مجازات اسلامی در شرایط ثبوت زنا است، بدین‌صورت که در هر دو به ۴ بار اقرار و شهادت شهود اشاره کرده‌اند، اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علم قاضی نیز اضافه شده است که می‌تواند بر اساس ادله و یا فیلم اگر به یقین برسد که زنا اتفاق افتاده است، زنا ثابت می‌شود. همچنین در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بیان شده است که زنا با

تعریف زنا، جماع را نیز تعریف کرده و امکان زنا نابالغ را نیز مورد بررسی قرار داده است و علت آن جلوگیری از وقوع تعارض آرا میان محاکم می‌باشد، زیرا فقها در زمینه زنا شخص نابالغ اختلاف نظر دارند و در صورت وقوع اختلاف میان قضاات دادگاه‌ها، رجوع به منابع فقهی نیز موجب تشتت بیشتر آرا می‌گردد. در نتیجه قانونگذار، خود اقدام به تبیین کامل مسأله، با توجه به نظر مشهور فقهی نموده است تا جلوی ایجاد آرای متضاد را بگیرد. در همین راستا، درباره تحقق زنا چند مسأله مطرح است: ۱- بلوغ و عقل طرفین: بر صغیر و مجنون حد جاری نمی‌شود، زیرا مشمول حدیث رفع القلم می‌باشند؛ ۲- اختیار طرفین: اگر هر یک از طرفین در حال اختیار و بدور از هرگونه اجبار به این عمل مرتکب شوند، مستحق حد می‌باشند، در غیر این صورت این عمل موجب حد شرعی نیست در این مورد احادیث متعددی نیز وارد شده است (۸).

در روایات ابی‌عبیده از امام باقر (ع) آمده است: «ان علیا (ع) أنتی بامرأة مع رجل نجر بها فقلت: «استکرهنی و الله یا امیر المؤمنین قدراً عنها الحد» زنی را همراه با مردی که با او عمل زنا انجام داده بود، به محضر علی (ع) آوردند زن فریاد زد: یا امیرالمؤمنین، این مرد مرا به این عمل مجبور کرد و من هیچ وقت راضی بدان نبوده‌ام، حضرت علی (ع) حد را برای او جاری نکرد» (۹). در کنز‌العرفان آمده: «زنی نزد عمر آمد و گفت: زنا کرده‌ام، حد الهی را بر من جاری کن، عمر دستور رجم او را داد و علی (ع) در آنجا حضور داشت، به عمر فرمود: از او سؤال کن که چگونه زنا کرده است؟ زن گفت: در بیابان و دشتی بی‌آب و علف بودم که عطش و تشنگی شدید و سخنی به من دست داد، خیمه‌ای بر پا دیدم به طرف آن رفتم و عربی در آن یافتم آب خواستم، او آب نداد، مگر اینکه خود را تسلیم او کنم. از او پشت کرده و قرار نمودم، اما عطش و تشنگی آنقدر شدید بود که چشمانم به گودی فرو رفت و سرانجام برای نجات از تشنگی تسلیم او شدم. حضرت فرمودند: این از جمله کسانی است که خداوند در آیه ۱۷۳ سوره بقره در حق آنان چنین فرموده: «فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا اثم علیه؛ اگر کسی ناچار شود، نه ستم‌کننده و نه تجاوزکننده باشد،

عنف از سوی زانی موجب اعدام زانی است، این در حالی است که مقدس اردبیلی در مورد زنا کافر با زن مسلمان سکوت کرده است و دیدگاهی در این خصوص ثبت نشده است.

۵. بحث

۵-۱. زنا از دیدگاه مقدس ردبیلی و قانون مجازات اسلامی

در اسلام جرائم جنسی به ویژه زنا همواره مورد نکوهش قرار گرفته است، در این خصوص فقها به آیات و روایات مختلف استناد کرده و مجازات‌های آن را در قالب حدود و تعزیرات به طور مفصل بیان کرده‌اند (۴). در دین مبین اسلام که حفظ طهارت نسب از اهمیت خاصی برخوردار است، ارتکاب انحرافات جنسی با محارم به دلیل آثار مخرب‌تری که بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌گذارند، با شدت بیشتری مورد نهی قرار گرفته‌اند (۵). در همین راستا در آیات قرآن کریم چنین اعمالی به نحوه مؤکد مورد نهی قرار گرفته و برای آن مجازاتی شدیدتر نسبت به سایر جرائم منافی عفت وضع شده است (۶). خداوند متعال در قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره نساء موارد حرمت ازدواج برای مسلمان را برشمرده که در صورت نزدیکی با این اشخاص، عمل زنا با محارم محقق خواهد شد و مجازات آن، بنا بر فتوای فقهای امامیه، حد قتل است.

زنا در لغت به معنای فسق، بی‌عفتی، بغی و فجور آمده و در اصلاح به جماع و آمیزش نامشروع مرد و زن گفته می‌شود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۲۱ به تعریف زنا اختصاص یافته است. تبصره یک این ماده میزان دخولی را که برای تحقق عنوان جماع لازم است را بیان می‌دارد و آن دخول آلت مرد به اندازه ختنه‌گاه در قبل یا دبر زن است؛ تبصره دوم ماده مذکور نیز به بحث مربوط به بالغ‌نبودن یکی از طرفین می‌پردازد که در این صورت، هرچند زنا محقق می‌شود، لکن فرد نابالغ مجازات نشده و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول قانون مذکور محکوم می‌گردد (۷). تعریف بیان‌شده برای زنا در قانون مجازات اسلامی برگرفته از تعاریف فقهی بوده و با تعاریفی که در قوانین قبلی بیان شده بود، تفاوتی ندارد، مگر در این مطلب که قانون جدید علاوه بر

شلاق است (۱۲). قید محارم نسبی در ماده ۲۲۴ ق.م.ا. همانطور که بیان شده، موجب می‌شود که محارم سببی از موضوع این بند خارج شده و تنها استثنا در میان محارم سببی، زنا با زن پدر است که موضوع بند «ب» این ماده می‌باشد و سایر محارم سببی مانند مادر زن و یا خواهر زن از شمول این حکم خارج هستند (۷).

از سوی دیگر با توجه به اینکه در صدر ماده اشاره شده که «حد زنا در موارد زیر اعدام است» و در بند آخر بیان می‌دارد که «زنا به عنف یا اکراه از سوی زانی موجب اعدام زانی است»، هرچند تفاوت محتوایی با ماده سابق ندارد، ولی این نوع جرم‌انگاری با اصول اولیه قانونگذاری و جرم‌انگاری یک عمل، تناقض آشکاری دارد، بدین توضیح که ذکر مجازات برای یک رفتار بدون در نظر گرفتن شرایط و ذکر اوصاف و چگونگی تحقق آن و یا عدم شفافیت در بیان شرایط تحقق موجب یک تفسیر سلیقه‌ای در عمل به قانون خواهد شد. تنها ارائه یک لیست از جرائم و بیان مجازات آن‌ها رافع تکلیف برای قانونگذار محسوب نمی‌گردد و شتاب‌زدگی در تدوین قوانین اساسی و حیاتی نه تنها مشکلی را از روی دوش جامعه برنخواهد داشت، بلکه گره‌هایی را نیز بر کار اجتماع می‌افزاید، لذا مواردی در خصوص زنا به عنف و اکراه وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

زنا به عنف، یعنی زنایی که با اکراه و اجبار انجام شود، مردی زنی را می‌رباید و با زور و بدون رضایت او با وی جماع می‌کند. قانونگذار در سال ۱۳۹۲ موارد زنا به عنف را توسعه داده شامل زنا با زنی که در حال بیهوشی، خواب، مستی، با اغفال، فریب و قربانی و... است، می‌داند (۱۴). تبصره ۲ ماده ۲۲۴ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا او نباشد، در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا به عنف است (۱۵). در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن، اگرچه موجب تسلیم‌شدن او شود نیز حکم فوق جاری است. توسعه فوق از یکسو باعث شده مسؤلیت کیفری مردان زناکار در موارد فوق افزایش یابد و این عده در صورت وجود شرایط به اعدام محکوم شوند، از سوی دیگر باعث شده که قربانیان

گناهی بر او نیست» (۱۰). در این باره می‌توان این چنین برداشت نمود: ۱- زن بر مرد حرام باشد، بنابراین اگر زن به واسطه زوجیت یا ملکیت بر مرد حلال باشد، زنا تحقق نمی‌یابد و همچنین اگر شبهه حلیت باشد، مانند کسی که در فرارش زنی را بیابد که توهم کند او زن خودش است، آنگاه با او نزدیکی نماید به خاطر قاعده «الحدود تدره بالشبهات» حد ساقط می‌گردد؛ ۲- دخول آلت مرد بر فرج زن: دخول به غایب شدن حشفه (سر آلت) در فرج زن تحقق می‌یابد، لذا اگر مرد کمتر از این مقدار از آلت خود را در فرج زن داخل نماید، زنا محقق نمی‌شود (۱۱).

۵-۲. اقسام زنا و راه‌های اثبات آن

از مصادیق زنا که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تحولات و تغییرات همراه بوده است، می‌توان به زنا به عنف، زنا محصنه و جماع با میت اشاره کرد که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم. یکی از اقسام زنا، زنا به عنف است. با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تغییراتی در زنا به عنف به وجود آمده، ماده ۲۲۴ ق.م.ا. در بیان زنایی است که مجازات آن اعدام در نظر گرفته شده و جایگزین ماده ۸۲ قانون مجازات سابق شده است. این ماده مقرر می‌دارد حد زنا در موارد زیر اعدام است: ۱- زنا با محارم نسبی؛ ۲- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است؛ ۳- زنا با مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است؛ ۴- زنا با عنف و اکراه از سوی زانی موجب اعدام زانی است (۱۲).

در فقه و حقوق زنا با محارم در موردی موجب اعدام می‌شود که با محارم نسبی انجام شده باشد، در این خصوص تفاوتی میان زن و مرد نیست، مگر در بلوغ که میان مجازات زن و مرد تفاوت ایجاد می‌کند. به این معنا که اگر مردی با دختری نابالغ زنا کند، حد کامل به او زده می‌شود، اما در خصوص زن، بلوغ طرف مقابل نیز شرط است (۱۳). زنا با محارم نسبی خود در صورت نابالغ‌بودن زانی، مجازات زن را فقط به ۱۰۰ ضربه شلاق تغییر می‌دهد. بنابراین نسب مشروع یا نامشروع دیگر در این موضوع مطرح نیست، چراکه حتی اگر نسب مشروع هم میان زن و زانی نابالغ باشد، مجازات زن

این قسم زنا بر اساس ماده ۲۳۱، از ارش البکاره و مهرالمثل و در صورتی که بکر نباشند، از مهرالمثل بهره‌مند شوند. باید دانست که در غیر زنا به عنف، حکم به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل وجود ندارد. بنابراین توسعه مصادیق زنا به عنف، باعث حمایت مادی و مالی از قربانیان این جرائم می‌شود.

اما ذکر این نکته نیز مهم است که به نظر می‌رسد مجازات قتل تنها متناسب با آن زنايي است که مرد تهدیدی به صورت جدی بر زن روا دارد و او را مقهور قدرت خویش نماید، چراکه مجازات اعدام سنگین‌ترین نوع مجازات بوده و سبب حذف مرتکب از صحنه جامعه می‌گردد، در حالی که امروزه هدف اصلی در حقوق جزا اصلاح بزه‌کار و برخورد با او به مثابه یک بیمار است (۱۶). به همین علت مجازات قتل می‌بایست تنها در مواردی به اجرا درآید که حداقل هیچ امیدی به اصلاح بزه‌کار وجود نداشته باشد. علاوه بر این درست است که برقراری رابطه جنسی بدون رضایت و نادیده‌گرفتن خواست و تمایلات جنسی که در تبصره به آن اشاره شده است، توهین بزرگی به ساحت زن است و جنایت بزرگی را شکل می‌دهد (۱۷)، اما باید توجه کرد تناسب جرم و مجازات می‌بایست رعایت گردد و این مهم با در نظرگرفتن عقوبت مشدده‌ای برآورده می‌شد. به نظر، قانونگذار خواسته حمایت خود را در این موارد اعلام دارد و این خلأ را جبران کند، ولی اعلام حمایت به این نحو، بدون پشتوانه فقهی و عدم تناسب مجازات نه‌تنها مشکل را حل نکرده، بلکه شبهاتی را نیز با خود وارد کرده است (۳).

همچنین زنا از طریق اغفال و فریب‌دادن دختر نابالغ نکته دیگری است که در انتهای تبصره آمده است و نمی‌توان از کنار آن بی‌تفاوت گذشت. به نظر می‌رسد از رابطه جنسی یک مرد بالغ و یک دختر نابالغ بتوان به یک نوع آزار و اذیت جنسی نام برد که حتی می‌تواند با توجه به قبیح‌بودن آن مجازات شدیدتری هم نسبت به زناي ساده داشته باشد. قانونگذار زناي از طریق اغفال و فریب‌دادن دختر نابالغ را نیز همانطور که گفتیم، در آخر تبصره ۲ ماده ۲۲۴ ق.م.ا در حکم زناي به عنف یا اکراه دانسته است.

زناي محصنه یکی دیگر از اقسام زنا است. در همین راستا، یکی دیگر از تحولاتی که در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرائم جنسی می‌توان مشاهده نمود، تحولات در خصوص زناي محصنه در ماده ۲۲۵ است (۱۳). این ماده بیان می‌کند: حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد. این ماده با تغییرات فراوانی که همراه خود داشته، به نوعی جایگزین ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شده است. با این تفاوت که به شرایط تحقق احسان در ماده جداگانه‌ای پرداخته است (ماده ۲۲۶).

اگر مردی محصن یا زنی محصنه مرتکب زنا شوند، مجازات وی سنگسار است. در واقع، محصن کسی است که همسر دائمی دارد، در حالی که بالغ و عاقل بوده و رابطه جنسی از نوع جماع در قبُل با همسرش داشته و اینک نیز برای او فراهم بوده است، مرتکب عمل زنا شده است (۱۲). در واقع تشدید مجازات زناي محصن نسبت به مجازات زناي غیر محصن که ۱۰۰ ضربه شلاق است، به این دلیل است که زناکار برخلاف داشتن امکان برقراری رابطه جنسی با همسر خویش و تأمین نیاز جنسی خود، به سراغ عمل زشت و حرام زنا رفته است.

به هر حال، مجازات زناي محصنه رجم است و این مجازات همیشه به عنوان یکی از چالش‌های حقوق اسلامی مطرح بوده است. تحولی که در قانون جدید رخ داده است، در عمل باعث می‌شود که در مجازات زناي محصنه نه‌تنها رجم انجام نشود، بلکه اعدام هم به دلیل نبود بینه شرعی در بیشتر موارد، انجام نمی‌شود و شبیه زناي غیر محصنه، زناکار تنها به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم می‌شود (۱۴). ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی

این حکم و مشکلات عدم ذکر آن در قانون چه بوده، قابل تأمل می‌باشد.

طرق ثبوت زنا نیز در قانون و شرع به اشکال گوناگونی مطرح شده است: ۱- ثبوت زنا از طریق بینه: زنا به واسطه بینه ثابت می‌شود و نصاب معتبر در شهادت بر زنا عبارتست از چهار مرد یا سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن که در صورت اخیر تنها تازیانه ثابت می‌شود نه سنگسار، چنانچه کسانی که شهادت به زنا می‌دهند، کمتر از حد نصاب باشند، بر شهود به جهت افتراق حد قذف جاری می‌شود (۱۹). کیفیت شهادت شهود باید به این صورت باشد که شاهد بگوید مشاهده کرده است، مانند داخل شدن میل در سرمه‌دادن و یا شهود باید بر یک فعل در زمان و مکان واحد اتفاق نظر داشته باشند و اگر در یکی از این امور با یکدیگر اختلاف داشته باشند، حد قذف بر آنان جاری خواهد شد (۲۰)؛ ۲- ثبوت زنا از طریق اقرار: زنا با چهار بار اقرار ثابت می‌شود و در آن بلوغ و عقل و اختیار و قصد مقرر شرط است، بنابراین اقرار بچه و دیوانه و کسی که مجبور به اقرار شده با آنکه او را آنقدر زده باشند که قصد و اراده از او سلب شده و بدون نیت و قصد اقرار کرده باشد، نافذ نیست (۲۱). در شرط تعدد مجالس، چهار بار اقرار مطرح شده است، بدین معنا که زنا با چهار بار اقرار ثابت می‌شود و در کمتر از آن حد ثابت نمی‌شود و در صورتی که به کمتر از چهار بار اقرار نماید، مثلاً بگوید با فلان زن عقیفه زنا کردم در اینکه حد قذف بر او جاری می‌شود، محل اختلاف است (۹)، البته اقرار خود شخص نیز دارای شرایطی است به این ترتیب که:

- اولاً شخصی که اعتراف به زنا می‌کند با عاقل و بالغ باشد.
- فرد باید با اراده خودش اقرار به زنا کند و در این کار اختیار داشته باشد.

- فرد باید ۴ مرتبه به اینکه زنا کرده است اقرار کند اقرار کمتر یعنی دو یا سه مرتبه، موجب اثبات زنا نمی‌شود.

- اقرار باید حتماً نزد قاضی باشد، اقرار نزد سایر افراد اعتباری ندارد.

۳- ثبوت زنا از طریق شهادت: افزون بر اقرار چهار مرتبه شخص بالغ، عاقل و مختار یکی دیگر از ادله اثبات زنا، بینه و شهادت گواهان است. توضیح مطلب اینکه، ارتکاب زنا، با

محسن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب ۱۰۰ ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.

مقایسه میان ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، مؤید این ادعاست: ماده ۸۶: زناي مرد یا زنی که هر یک همسر دائمی دارد، ولی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آن‌ها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد، موجب رجم نیست. ماده ۲۲۷: اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می‌گردد، مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احصان خارج می‌کند.

موضوع مهم‌تر، اثبات احصان است. از طرفی به معرف وجود شبهه باید حکم به عدم احصان داد و از طرف دیگر چون احصان امری است حدوثی، بنابراین مدعی وجود احصان باید ارائه دلیل نماید. در این صورت اثبات آن با شاکي با دادستان است. در این زمینه، اوضاع و احوال موجود نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. به عنوان نمونه اگر مرد متأهلی صرفاً ادعا نماید که شرایط احصان را ندارد، چون ادعای وی خلاف اوضاع و احوال مسلم قضیه است، بدین معنا که در میان عرف جامعه افراد متأهل با یکدیگر زندگی می‌کند، نیاز به اثبات شرایطی دارد که موجب خروج وی از احصان را اثبات نمایند.

درباره جماع با میت هم در قانون داخلی مطالبی بیان شده است. از جمله ماده ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: جماع با میت زنا است، مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نیست، لکن موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌شود. این ماده از احکام تازه‌ای است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بدان اشاره شده است (۱۵).

بنابراین رأی مشهور در فقه شیعه زنا بودن چنین عملی است، ولی در فقه اهل سنت، این قدامه در این مورد معتقد است که اگر کسی با مرده‌ای نزدیکی کند، حدی بر این شخص جاری نمی‌شود (۱۸). قانونگذار نیز برخلاف قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که هیچ اشاره‌ای به جماع با میت نکرده بود، به صراحت در ماده ۲۲۲ چنین حکمی را مقرر داشته است، اما در اینکه هدف از مقرر نمودن

دیگر اینکه شوهردار باشد، زیرا بعضی از مفسرین فرموده‌اند: اگر قید زوجیت در کار نبود می‌فرمودند: «من نساء» (۲۵)، «فاستشهدوا علیهن اربعه منکم»، از این جمله استنباط می‌شود: اولاً شهود باید چهار نفر؛ ثانیاً مسلمان باشند، زیرا کلمه «اربعه» برای مرد به کار می‌رود و کلمه «منکم»، خطاب به مسلمانان می‌باشد (۲۶).

دیدگاه مقدس اردبیلی نیز در این باره، رویکرد متمایزی محسوب می‌شود. از نظر این ایشان عبارت «فاستشهدوا علیهن اربعه منکم» علاوه بر بیان حد نصاب شهود به ذکر برخی از خصوصیات شهود (اسلام و ذکوریت) پرداخته است. «فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت» (۲۱). در این مسأله حبس کردن دائمی زن مورد بحث را مرتبط کرده بر شهادت‌دادن شهود، نه بر اصل وقوع عمل زشت و خلاصه کلام اینکه، تنها وقتی حکم حبس ابد از ناحیه حاکم صادر می‌شود که چهار شاهد بر صدور عمل فاحشه از زن شهادت دهند و اگر شهود شهادت ندهند حکم صادر نمی‌شود، هرچند حاکم یقین به آن داشته باشد. در زبده‌البیان آمده است مراد از «فاحشه» مساحقه است و منظور از «امساک» منع از مساحقه می‌باشد که در واقع نگهداری آن‌ها در خانه برای اینست که آن‌ها را از تکرار چنین کارهای زشتی که مرتکب شده‌اند، بازدارند، ولی به آرای فقهای دیگر نیز اشاره کرده است که معتقدند مراد از «فاحشه» زنا است و مراد از امساک حد زنا است، ولی این حکم در صدر اسلام اجرا می‌شد که بعداً به سبب آیه جلد نسخ شد (۲۱).

همچنین در این باره، آیه ۱۶ سوره نساء نیز می‌خوانیم: «وَاللَّذَانِ یَأْتِيْنَهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّاباً رَحِيماً؛ و آن دو نفری از شما که سراغ فحشا و زنا روند (زن یا مرد زناکار و بدون همسر) هر دو را آزار دهید (و بر آنان حد جاری کنید)، پس اگر توبه کرده و خود را اصلاح کردند، از آنان درگذرید (زیرا) خداوند توبه‌پذیر مهربان است.»

تحلیل آیه شریفه نشان می‌دهد که «الذان»: اگرچه کلمه «الذان» مذکر است، ولی شامل مؤنث هم می‌شود، زیرا قرآن مجید غالباً و مخصوصاً در موقع وضع قوانین مردان را مورد

شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن ثابت می‌شود، با این تفاوت که با شهادت دو مرد و چهار زن، تنها، حد تازیانه ثابت می‌شود نه حد رجم (۲۲). باید توجه داشت که حد زنا، با شهادت زنان به طور مستقل، یا با یک مرد و شش زن، یا با شهادت یک نفر به انضمام سوگند، ثابت نمی‌شود. شایان ذکر است که شهادت شهود، در صورتی دارای اعتبار بوده، پذیرفته می‌شود؛ ۴- ثبوت زنا از طریق علم قاضی: علم قاضی یعنی اینکه به طریقی به قاضی ثابت شود که جرم رخ داده است. یکی دیگر از راه‌های اثبات زنا هم علم قاضی است. به این ترتیب که اگر به روشی مثلاً فیلم‌برداری و عکس‌برداری از زنا برای قاضی محرز شود که عمل زنا رخ داده است، باعث اثبات زنا می‌شود و می‌تواند برای آن حکم صادر کند، هرچند که این مسأله نیز در نهایت تصمیم را به علم قاضی واگذار می‌کند. (۲۳).

۵-۳. احکام مرتبط با زنا از دیدگاه مقدس اردبیلی

دیدگاه مقدس اردبیلی درباره بررسی موضوع زنا، احکام و مجازات مربوط با آن به گونه‌ای که در وهله اول از طریق بررسی آیات مرتبط با این عمل قبیح قابل بررسی است. از جمله، آیه ۱۵ سوره مبارکه نساء که می‌فرماید: «وَاللَّاتِي یَأْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَیْهِنَّ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِی الْبُیُوتِ حَتَّى یَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ یَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلاً؛ و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آن‌ها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان (زنان) را در خانه‌ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا اینکه خداوند، راهی برای آن‌ها قرار دهد» (۱۰).

تحلیل آیه شریفه گویای آن است که فاحشه، از ماده (فحش) به معنای طریقه شیعه است، ولی استعمالش در عمل شنیع زنا شایع شده است (۲۴) و بیشتر مفسرین معتقدند که مراد از «فاحشه» در آیه مورد بحث عمل زنا می‌باشد. «نساءکم»: از این کلمه چند استنباط می‌شود: اول اینکه منظور زنان می‌باشد نه دختران، زیرا کلمه نساء فقط به زن گفته می‌شود؛ ثانیاً از کلمه «نساء» که به «کم» اضافه شده دو موضوع درک می‌شود: یکی اینکه این کلمه برای زنان شما مسلمین است؛

عَذَابَهُمَا طَائِفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند» (۱۰).

تحلیل آیه بر این اساس است که در کنزالعرفان آمده برخی چون خلیل و سیبویه معتقدند که «الزانیه و الزانی» دو اسمی است که رفعشان به مبتدأ بودن است که خبرشان محذوف و تقدیر آن چنین است حکم «الزانیه و الزانی، مما فرض الله او فیما یتلی علیهم»: حکم مرد و زن زناکار یا چیزی است که خدا روایت کرده یا برای شما تلاوت می‌کند و «فاجلدوا» جمله جداگانه است که عطف بر جمله ما قبل شده است (۲۹). حکم «مائة جلد» صد ضربه تازیانه حد زنا است که با روایات تخصیص خورده و در مورد زناکاران آزاد و غیر محصن و محصنه می‌باشد. علت تقدم «زانیه» بر «زانی» آنست که از یکسو زشتی زنا و فرجام آن، برای زنان بیشتر از مردان است و از سوی دیگر وسوسه این کار غالباً از راه ناز و کرشمه و جلوه‌گری از زن شروع می‌شود (۲۹).

خطاب «فاجلدوا» در آیه متوجه حکام و زمامداران واجد شرایط می‌باشد که با پیغمبر (ص) یا امام (ع) و یا نایب امام است. «و لا تأخذکم بهما رأفة فی دین الله»: نهی از رأفت شده است، چون رقت کردن به حال کسی که مستحق عذاب است، باعث می‌شود که در عذاب کردن او تساهل شود، در نتیجه نسبت به او تخفیف دهند و یا به کلی اجرای حدود را تعطیل کنند (۲۴). «وان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر»: این تأکید است بر حکم مذکور و اشاره دارد بر اینکه حفظ دین خدای تعالی و اقامه احکام و حدود از لوازم ایمان است (۲۶).

مقدس اردبیلی در ذیل آیه شریفه بیان داشتند که اجرای حد بر عهده حکام و پیشوایان دین است و حفظ و پاسداری از دین الهی به منزله ایمان است، پس لازمه ایمان اطاعت از فرامین الهی است در غیر این صورت فرد مؤمن نخواهد بود و این امر از باب مبالغه و شدت سخت‌گیری در زنا است. «و لیشهد عذابهما طائفة من المؤمنین»: وظیفه دیگر آنست که اجرای کیفر به هر یک از آن دو باید به طور علنی باشد و حضور مردم

خطاب و زنان را تابع ایشان قرار می‌دهد، اما از نظر برخی همچون ابومسلم چون «اللدان» مذكر است شامل مردان می‌شود و زنان را دربر نمی‌گیرد (۲۵). «یأتیانها»: با توجه به رجوع ضمیر «ها» در «یأتیانها» به کلمه «فاحشه» در آیه قبل، استفاده می‌شود که نوع عمل منافی با عفت که در آیه آمده، همانند نوعی است که در آیه قبل می‌باشد، یعنی منظور زنا است. در مجمع‌البیان آمده است اکثر مفسرین نیز معتقدند که مراد از آن زنا می‌باشد که این آیه به آیه جلد نسخ شده است (۱۱). در آیه تصریحی به زنا غیر محصنه نشده، ولی از آنجا که این آیه دنبال آیه گذشته آمده و مجازاتی که برای زنا در این آیه ذکر شده با مجازات آیه گذشته تفاوت دارد و از آن خفیف‌تر است استفاده می‌شود که این حکم درباره آن دسته از مرتکبین زنا است که در آیه قبل داخل نبوده و از آنجا که بیان شد، آیه پیش مربوط به زنا محصنه بود، نتیجه می‌گیریم که این آیه حکم زنا غیر محصنه را بیان می‌کند (۲۷).

از نظر مقدس اردبیلی مجازات زناکار با توبه او ساقط می‌شود. شاید دلیل اینکه مقدس اردبیلی کلام خود را مطلق آورده آن باشد که مراد از توبه زناکار، توبه او قبل از ثبوت جرم می‌باشد (۲۱). در این خصوص اکثر فقها همچون مقدار فاضل بیان نموده‌اند که اگر زناکار قبل از ثبوت جرم توبه کند حد از او ساقط می‌شود، اما اگر حد زنا با بینة ثابت شود با توبه حد از او ساقط نمی‌شود، ولی چنانچه با اقرار ثابت شود با توبه او امام یا حاکم در اجرای حد یا عدم اجرای حد مخیر است. «ان الله کان تواباً رحیماً» دو صفت کامله پروردگار نام برده شده است که دائر به اینکه اجرای کیفر بر جنایتکاران به منظور آن است که تیرگی که در نفوس آنان پدید آمد و از سعادت فرسنگ‌ها به دور پرتاب شده، در اثر رنج و تحمل عقوبت سخت، صفای درونی از دست‌رفته خود را بازیابند و توبه و پشیمانی آنان پذیرفته شود و مشمول رحمت پروردگار گردند و در روز قیامت به گناه این عمل مؤاخذه و بازخواست نخواهند شد (۲۸).

آیه دو سوره مبارکه نور نیز چنین فرموده است: «الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة ولا تأخذکم بهما رأفة فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ولیشهد

و ۴ زن در قانون مجازات اسلامی اشاره‌ای نشده است. از سوی دیگر مقدس اردبیلی در خصوص توبه نیز به طور مطلق صحبت کرده‌اند و توبه فرد زانی یا زانیه را باعث سقوط حد می‌داند، اما در قانون مجازات اسلامی زنا اگر با اقرار باشد، توبه قبل از اثبات زنا می‌تواند مورد قبول واقع شود، اما اگر به صورت بیینه باشد، توبه قابل قبول نیست. یکی دیگر از تفاوت‌های قانون مجازات اسلامی و دیدگاه مقدس اردبیلی در این است که به طرفین نابالغ در قانون مجازات اسلامی ماده ۲۲۷ مجازات وارد نمی‌شود و اقدامات تأمینی و تربیتی صورت می‌پذیرد و بر اساس ماده ۲۲۸ اگر زانی نابالغ و زانیه بالغ باشد، زانی مجازات نمی‌شود، اما به زانیه ۱۰۰ ضربه تازیانه چه محصنه باشد، چه غیر محصنه وارد می‌شود، اما در دیدگاه مقدس اردبیلی اشاره‌ای به آن نشده است و ملاک فرد عاقل و بالغ است، ضمن اینکه مقدس اردبیلی در مورد زنا کافر با زن مسلمان سکوت کرده است و دیدگاهی در این خصوص ثبت نشده است.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته و نسبت به جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و به ثمرنشدن مقاله فعالیت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

در آن مکان اعلام گردد تا سبب سرشکستگی و تأثر خاطر آن دو گردد و قید اینکه آن گروه تماشاگر از مؤمنان باشند، برای اینست که مبدا اقامه حدود مانع روی آوردن کفار به اسلام شود و همچنین اقامه حدود در سرزمین دشمن و کفار مکروه و ناپسند است (۲۵)، اما در زمینه تعداد شاهدان مقدس اردبیلی صرفاً به بیان اقوال مختلف پرداخته است و نظر خود را در این مورد بیان نغرموده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی، حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه را مجازات رجم در نظر گرفته است. همچنین نگرش قانون مجازات اسلامی بدین صورت است هنگامی که عدم امکان رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه چنانچه جرم با بیینه صادر شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه و در غیر این صورت، موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد. در صورتی که که مقدس اردبیلی در خصوص زنا محصنه فقط رجم را بیان نموده‌اند. از دیگر تفاوت‌های دیدگاه مقدس اردبیلی با قانون مجازات اسلامی در شرایط ثبوت زنا است، بدین صورت که در هر دو به ۴ بار اقرار و شهادت شهود اشاره کرده‌اند، اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علم قاضی نیز اضافه شده است که می‌تواند بر اساس ادله و یا فیلم اگر به یقین برسد که زنا اتفاق افتاده است، زنا ثابت می‌شود. از سوی دیگر آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مبارکه نساء «فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت» بیانگر حبس دائمی زن در خانه پس از به حد نصاب رسیدن تعداد شهود است و اگر شهود شهادت ندهند، حکم صادر نمی‌شود، هرچند حاکم یقین به آن داشته باشد، اما در قانون مجازات اسلامی حکم اعدام به زانیه می‌تواند صادر شود. بر اساس نظر مقدس اردبیلی زنا با شهادت ۴ مرد یا سه مرد و دو زن و یا دو مرد و چهار زن ثابت می‌شود که در صورت اخیر حد تنها تازیانه است، این در حالی است که شهادت شهود در قانون مجازات اسلامی راهی برای ثبوت زنا است و می‌تواند منجر به صدور حکم اعدام یا ۱۰۰ ضربه شلاق شود. همچنین به شهود ۲ مرد

References:

1. Mosaegh M. Description of the Islamic Penal Code adopted in 1392 with a practical approach. Tehran: Jangal; 2013. (Persian).
2. Akrami R. Review of the new Islamic Penal Code in the version of the Code of Legislation. *Journal of Parliament and Strategy*. 2015;22(82):165-97. (Persian).
3. Mohammadi Jorkoyeh A. Critique of the structure of the Islamic Penal Code. *Journal of jurisprudence and law*. 2004;1(1):157-74. (Persian).
4. Darabi S, Razavi Asl MJ. Investigation of the extent of murder in adultery due to illegitimate descent. *Journal of jurisprudential and philosophical studies*. 2014;6(23):103-21. (Persian).
5. Sadati M, Sadeghi M, Gholamian Zali S. A reflection on the development of the effects and examples of limits in the Islamic Penal Code 1392. *Journal of jurisprudence and principles*. 2011;51(71):94-118. (Persian).
6. Moghimi Haji A. Philosophy of punishment in Islam. *Journal of Ahl al-Bayt jurisprudence*. 2005;1(51):106-47. (Persian).
7. Ardabili MA. General criminal law. Tehran: Mizan; 2011. (Arabic).
8. Tabarsi FH. Majmaa-Albayan. Tehran: Naser Khosrow; 1991. (Arabic).
9. Hore Ameli MH. Vesael Al-Shieh. Beirute: Dar Alehya Alteras Alarabia; 1991. (Arabic).
10. The Holy Quran, Al-Baqare: 173; Al-Nisa: 15. (Arabic).
11. Majlesi M. Bahar Al-Anwar. Tehran: Islamieh; 2004. (Arabic).
12. Zeraat A. Comprehensive description of the Islamic Penal Code. Tehran: Jungle; 2015. (Persian).
13. Heidari F, Shahmalekpour H, Salmanpour A. Legislative developments in adultery in the Islamic Penal Code 2013. *Criminal Law Research*. 2017;9(1):115-37. (Persian).
14. Shad Malekpour H. Argumentative criminal jurisprudence. Tehran: Mizan; 2013. (Persian).
15. Zeraat A. Brief description of the Islamic Penal Code approved in 2013. Tehran: Ghoghnoos; 2012. (Persian).
16. Ibrahimi SH. Preventive criminology. Tehran: Mizan; 2011. (Persian).
17. Barzali P, Mokhtari N, Ibrahim Abadi F. Women's Rights in Marriage from the Perspective of Shahid Thani and Mohaghegh Ardabili. *Journal of Legal Research*. 2017;1(1):33-99. (Persian).
18. Ibn Ghodameh AA. Almoghani. Riyadh: Daralketab Alelm; 1986. (Arabic).
19. Makarem Shirazi N. Anwar Alfeghahe. Qom: Imam Ali (A); 1988. (Persian).
20. Feiz Kashani MH. Mafatih Alsharayeh. Qom: Ayatollah Marashi Najafi; 2000. (Arabic).
21. Ardabili AM. Majmaal Fayedehe Al Borhan. Qom: Islami; 1983. (Arabic).
22. Khomeini R. Tahrir Alvasileh. Tehran: Imam Khomeini Publishing House; 1991. (Arabic).
23. Bazgir Y. Islamic Penal Code in the mirror of the Supreme Court. Tehran: Nakhostin; 2002. (Persian).
24. Tabatabaei MH. Interperetation Mizan. Qom: Islami; 1996. (Arabic).
25. Najafi Khomeini MJ. Interperetation Asan. Tehran: Islamieh; 2018. (Arabic).
26. Sharif Lahijani MA. Interperetation Sharif Lahiji. Tehran: Dad; 1994. (Persian).
27. Makarem Shirazi N. Interperetation Nemoneh. Tehran: Dar Al-Quran Islamieh; 1994. (Persian).
28. Hoseini Hamadani MH. Bright lights. Tehran: Lotfi; 2000. (Persian).
29. Sivari M. Altanghih Al-Raee. Qom: Ayatollah Maraashi Najafi; 1982. (Arabic).

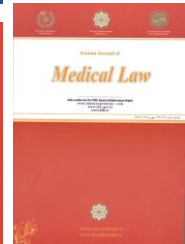


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Investigating the Differences and Commonalities of Ardabili's Holy Views on Adultery with the Islamic Penal Code of Iran

Batool Saeedi Garaghani¹ , Mohammad Rasool Ahangaran^{2*} , Jalal Iranmanesh³

1. Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Professor, Department of Law, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 10 October 2021

Accepted: 26 January 2022

Published online: 6 February 2022

Keywords:

Criminal Law

Adultery

Islamic Penal Code

Mohaghegh Ardabili

ABSTRACT

Background and Aim: Considering the significant progress that has been made in the field of criminal legislation, these laws still need to be amended. Among other things, taking advantage of the views of jurists and Islamic scholars on acts such as adultery, the corresponding crime of which is also stated in the Islamic Penal Code, the famous sayings of jurists or their theories have not been considered as criteria. For this reason, the present study seeks to address the sacred views of Ardabili and the Islamic Penal Code on adultery.

Materials and Methods: The method used in the present study is descriptive and analytical, which deals comparatively with the sacred views of Ardabil and the Islamic Penal Code.

Results: Regarding adultery, according to Article 225, the hadd punishment for adultery is stoning for adultery and adultery, but if stoning is not possible, if the crime was issued with evidence, it will result in the execution of adultery and adultery, otherwise it will result in one hundred lashes for Each is. This is while the saints of Ardabili have only stated stoning regarding adultery. Regarding the proof of adultery, in addition to the four confessions or testimonies of witnesses agreed upon by the researcher and the law, the knowledge of the judge has also been added to the Islamic Penal Code.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: Muqaddas Ardabili considers the repentance of an adulterer or adulterer to cause the hadd to fall, but in the Islamic Penal Code for adultery, if it is with confession, repentance before proving adultery can be accepted, but if it is evidence, repentance is not acceptable. Also, Moqaddas Ardabili knows the limits of adultery for an adult and a wise person, but according to Article 228, if adultery is immature and adultery is adult, adultery will not be punished, but the adulterer will receive 100 lashes, whether he is a prostitute or not.

* Corresponding Author:

Mohammad Rasool Ahangaran

Address: Department of Law, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

Postal Code: 37181-17469

Telephone: 21-36166100

Email: Ahangaran@ut.ac.ir

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Saeedi Garaghani B, Ahangaran MR, Iranmanesh J. Investigating the Differences and Commonalities of Ardabili's Holy Views on Adultery with the Islamic Penal Code of Iran. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.